

حرکت مقاومت اسلامی فلسطین قبول کرده است با شرایطی سلاح خود را تحویل طرف سوم بدهد

گام تاریخی حماس برای عبور از چالش

نیک پندار | رئیس‌جمهور ایالات متحده، دونالد ترامپ پنجشنبه گذشته اعلام کرد «شورای صلح» به توافقی تاریخی برای خلع سلاح کامل حماس و سایر گروه‌های مسلح در نوار غزه دست یافته است. این توافق بخشی از مرحله دوم طرح ۲۰ ماده‌ای آتش‌بس است که ترامپ در اکتبر گذشته میانجی‌گری کرده بود و قرار است راه را برای خروج تدریجی نیروهای اسرائیلی از غزه و استقرار حکومت جدید فلسطینی هموار کند.

ترامپ در پستی در شبکه تروث سوشال نوشت: «امروز شورای صلح به توافق تاریخی برای خلع سلاح کامل حماس و همه گروه‌های مسلح دیگر در غزه رسید. این گامی عظیم به سوی صلح و امنیت پایدار است». او افزود: این فرایند در مراحل دقیق و ساختار یافته اجرا خواهد شد و با تکمیل خلع سلاح، نیروهای اسرائیلی خارج می‌شوند و نیروی تثبیت بین‌المللی همراه با پلیس جدید فلسطینی مسئولیت امنیت غزه را بر عهده می‌گیرد. ترامپ این توافق را «نقطه عطفی مهم» در اجرای طرح خود دانست و از میانجیگران مصر، قطر و ترکیه تشکر کرد.

■سلاح‌ها به اسرائیل نمی‌روند

بر پایه گزارش الجزیره که نسخه‌ای از سند توافق را در اختیار دارد، نقشه راه دقیق خلع سلاح باید در ۱۴ روز تهیه شود (با امکان تمدید با تأیید نهاد راستی‌آزمایی بین‌المللی و موافقت همه طرف‌ها). فرایند با ورود کمیته ملی و نیروی تثبیت بین‌المللی به غزه آغاز می‌شود. کمیته ملی بر فرایند «فهرست‌برداری و انبار کردن» سلاح‌ها نظارت می‌کند، در حالی که کمیته راستی‌آزمایی بین‌المللی ناظر است و گروه‌های فلسطینی مشارکت دارند. براساس اعلام حماس، مرحله دوم توافق شامل «خروج تدریجی نیروهای اسرائیلی از نوار غزه» است، خروجی که با خلع سلاح این گروه و البته بدون دخالت رژیم صهیونیستی و همچنین استقرار یک نیروی بین‌المللی همراه خواهد بود. سلاح‌ها به هیچ وجه به اسرائیل یا نهاد غیرفلسطینی تحویل داده نمی‌شود و تنها کمیته ملی مسئولیت نگهداری آن‌ها را دارد.

غازی حماد، عضو هیئت مذاکره‌کننده حماس به الجزیره گفته مذاکرات سخت و دشوار بوده و آن‌ها بهترین فرمول ممکن را بدست آورده‌اند. با این حال تأکید کرده حماس هیچ بخشی از توافق را اجرا نخواهد کرد مگر آنکه اسرائیل به تعهدات خود ازجمله خروج

گزارش

زاره | در روزهای گذشته، منطقه خودمختار سبت

در شمال آفریقا صحنه یکی از بزرگ‌ترین بحران‌های مهاجرتی تاریخ معاصر اروپا شد. براساس گزارش‌های رسمی، در کمتر از ۴۸ ساعت، نزدیک به ۶۰ هزار مهاجر از خاک مراکش وارد این منطقه شدند که معادل ۷۰ درصد جمعیت بومی سبت است. این موج عظیم انسانی که بخش قابل توجهی از آن رادست‌کم ۷ هزار کودک و نوجوان تشکیل می‌دهند، با عبور از موانع مرزی و در موارد متعددی با شناد در دریا خود را به این منطقه رسانده‌اند.

■غافلگیری مادرید

اسپانیا در واکنش به این رویداد، ضمن محکوم کردن آن به عنوان «حمله» و «نقض تمامیت ارضی»، نیروهای نظامی و پلیس تکمیلی را به سبت اعزام کرده و با دولت مراکش برای تسریع روند بازگشت مهاجران به توافق رسیده است. براساس گزارش وزارت کشور اسپانیا، حدود ۲۵ هزار مهاجر به‌طور داوطلبانه به مراکش بازگشته‌اند. نخست‌وزیر اسپانیا شخصاً در منطقه حاضر شده و شبکه‌های قاچاق انسان را عامل اصلی این بحران معرفی کرده است. به‌باور او، این شبکه‌ها با سوءاستفاده از رای اخیر دادگاه عالی اسپانیا که بازگرداندن فوری مهاجران متوقف‌شده در دریا را محدود کرده بود، اطلاعات نادرستی را میان مهاجران پخش و آن‌ها را به هجوم جمعی ترغیب کرده‌اند. این بحران به‌سرعت به یک مسئله فرامرزی تبدیل شد و واکنش برخی کشورهای اروپایی، به‌ویژه ایتالیا و فرانسه، تنش‌های تازه‌ای را درون اتحادیه اروپا ایجاد کرد. ایتالیا با استناد به نگرانی‌های امنیتی، خواستار تعلیق موقت تعهدات شنکن از سوی اسپانیا شد و فرانسه نیز کنترل‌های مرزی خود با اسپانیا را تشدید کرد. این اقدامات با واکنش تند دیپلماتیک اسپانیا همراه بود و احضار سفیر ایتالیا در مادرید، گویای عمق اختلافات جدید در اروپاست.

■اهمیت راهبردی تنگه جبل الطارق

تنگه جبل الطارق، این آبراه باریک که دریای مدیترانه را به اقیانوس اطلس متصل و اسپانیا و مراکش را در دوقاره اروپا و آفریقا از هم جد می‌کند، از دیرباز یکی از حساس‌ترین و راهبردی‌ترین گذرگاه‌های آبی جهان به شمار می‌رود. این تنگه نه تنها مسیر عبور بیش از ۱۰ درصد از تجارت دریایی جهانی است، بلکه به عنوان یگانه رابط میان اقیانوس اطلس و دریای مدیترانه، نقشی حیاتی در ترانزیت انرژی، کالاهای و نیروهای نظامی ایفا می‌کند. کنترل بر این آبراه، همواره یکی از محورهای اصلی رقابت‌های ژئوپلیتیکی در منطقه

نیروها و پیشرفت بازسازی عمل کند. خلع سلاح وابسته به خروج اسرائیل از غزه است. حماس پیش‌تر در ۶ جولای اعلام کرده بود اداره غزه را پس از نزدیک به دو دهه، منحل کرده است.

■خروج اسرائیل، مقدمه تحویل سلاح

نیکولای ملادنوف، نماینده عالی شورای صلح در غزه، در ایکس نوشت مذاکرات ماه‌ها طول کشیده و لحظاتی بوده که باور نمی‌کرده به نتیجه برسد. او تأکید کرد: «اجرا و راستی‌آزمایی باید واقعی باشد. خروج باید همقدم با خلع سلاح پیش برود». مقامات آمریکایی و شورای صلح نیز گفته‌اند فرایند براساس «عدم اعتماد متقابل» و راستی‌آزمایی مستقل طراحی شده و هیچ طرفی به مرحله بعد نمی‌رود مگر آنکه طرف مقابل تعهداتش را انجام داده باشد. ابتدا خلع سلاح گروه‌های کوچک‌تر انجام می‌شود و سپس زیرساخت نظامی حماس شامل تونل‌ها، انبارها و تأسیسات تولید سلاح برچیده خواهد شد؛ فرایندی که ممکن است ۲۰۰

تا ۳۵۰ روز طول بکشد.

اصل محوری نقشه راه «یک اقتدار، یک قانون، یک سلاح» است. حکومت تکنوکرات فلسطینی جدید تحت نظارت شورای صلح، انحصار کامل سلاح در غزه را در اختیار خواهد داشت. حماس و دیگر گروه‌ها از نقش نظامی و حکومتی کنار می‌روند و اداره مدنی و پلیسی به تدریج به نهاد جدید منتقل می‌شود. ابتدا سلاح‌های پلیس غزه تحویل داده می‌شود، سپس سلاح‌های سنگین.

■طاقچه بالا گذاشتن اسرائیل

رژیم اشغالگر قدس تاکنون رسماً موضع‌گیری نکرده است. مقامات آمریکایی اذعان کرده‌اند اسرائیل بسیار بدبین است که حماس واقعاً خلع سلاح کند. برخی گزارش‌ها حاکی از آن است اگر رژیم صهیونیستی از خروج خودداری کند، ترامپ «بسیار ناامید» خواهد شد، هرچند آمریکا معتقد است اسرائیل شریک خوبی باقی خواهد ماند. همزمان، حملات اسرائیل در غزه ادامه



داشته و در روز اعلام توافق دست‌کم ۶ فلسطینی از جمله دو کودک کشته شدند. از زمان آتش‌بس اکتبر، بیش از هزار ۲۰۰ فلسطینی در حملات اسرائیل جان باخته‌اند.

■تردیدهای جهاد

جهاد اسلامی فلسطین نیز درباره برخی گزارش‌ها و عبارات مطرح‌شده ابراز تردید کرده است. کارشناسان نظامی اشاره کرده‌اند استفاده از عبارت «فهرست‌برداری و انبار کردن» به جای «خلع سلاح» تفاوت ظریفی دارد و گروه‌های فلسطینی ممکن است با تحویل سلاح به نیروی دشمن موافق نباشند. این توافق پس از ماه‌ها مذاکره در قاهره و فشارهای بین‌المللی بدست آمده و می‌تواند راه را برای بازسازی غزه و انتقال قدرت به حکومت غیرحزبی باز کند. با این حال، موفقیت آن کاملاً وابسته به اجرای متقابل، راستی‌آزمایی واقعی و غلبه بر بدبینی عمیق طرفین است. اکنون تمرکز بر جزئیات اجرایی و تضمین تعهدات است؛ مرحله‌ای که به گفته ملادنوف حتی از خود توافق مهم‌تر است.

فلسطین ازجمله تحریم تسلیحاتی اسرائیل، ممنوعیت ورود مقامات اسرائیلی و به رسمیت شناختن کشور فلسطین، سبب شده اسرائیل این بحران را دستمایه‌ای برای تلافی سیاسی قرار دهد. دانی دانون، نماینده رژیم صهیونیستی در سازمان ملل، در پیامی در شبکه‌های اجتماعی با کنایه نوشت: «اسپانیا که هرگز فرصت نصیحت به اسرائیل را از دست نمی‌دهد، حالا خودش در سبت به اثر بحران سیاست مهاجرتی‌اش وضعیت اضطراری اعلام کرده است». ایتا مارن بل‌گوبر، از چهره‌های افراطی اسرائیل نیز با پیامی طعنه‌آمیز به سانچز پیشنهاد داد مردم غزه را در اسپانیا پناه دهد. این واکنش‌ها در اسپانیا با این تفسیر مواجه شد که اسرائیل از بحران انسانی سبت برای فشار سیاسی و تضعیف دولت سانچز استفاده می‌کند. اسکار پوئنته، وزیر حمل‌ونقل اسپانیا در پاسخ به دانون گفت اظهارات اسرائیل «ماجرای سبت به روشن‌تر می‌کند» و عملاً به نقش آفرینی تل آویو در این بحران اشاره کرد.

سومین عامل، یعنی خودداری اسپانیا از همکاری با آمریکا در حملات علیه ایران و بستن پایگاه‌های هوایی خود به روی نیروهای آمریکایی سبب شده اسپانیا در واشنگتن به عنوان «هم‌پیمان غیرقابل اعتماد» شناخته شود. برخی تحلیلگران معتقدند آمریکا نیز ممکن است از این بحران برای تضعیف دولت سانچز و افزایش نفوذ خود در تنگه جبل الطارق استفاده کند. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، پیش‌تر اسپانیا را به دلیل مخالفت با استفاده از پایگاه‌هایش «کشوری وحشتناک» خوانده و تهدید به قطع روابط تجاری کرده بود. در این چارچوب، بحران سبت راهی می‌توان حلقه‌ای از زنجیره فشارهای چندجانبه بر اسپانیا به دلیل استقلال‌خواهی در سیاست خارجی دانست. در نهایت بحران سبت راه می‌توان تلافی چندلایه از چالش‌ها دانست: یک بحران انسانی با تلفات دردناک، یک بحران حاکمیتی برای دولت اسپانیا، یک بحران همبستگی برای اتحادیه اروپا و در عین حال عرصه‌ای برای بازتعریف مناسبات قدرت در منطقه مدیترانه. جری بحران، بلکه به عنوان بازیگری باید از زبانی کرد که از فرصت پیش‌آمده برای فشار سیاسی و تلافی مواضع ضداسرائیلی اسپانیا بهره‌برداری کرده است. تنگه جبل الطارق به عنوان یکی از حیاتی‌ترین گذرگاه‌های آبی جهان، در کانون این منازعه قرار دارد و هرگونه تغییر در موازنه قدرت بر کرانه‌های آن، پیامدهای ژئوپلیتیکی گسترده‌ای برای اروپا و آفریقا و فراتر از آن به همراه خواهد داشت.

گزارش تحلیلی

شواهد مختلف نشان می‌دهد نسل زد در هند منتقد اصلی حزب حاکم هستند

دوئل نارندرا مودی و حزب سوسک‌ها

میرا احمد رضا مشرف | در شرایطی که به نظر می‌رسید اعتراضات گسترده جوانان و دانشجویان در هند با عقب‌نشینی مودی و استعفا‌ی وزیر آموزش و پرورش به نقطه پایانی خود رسیده باشد، طرح موضوعی جدید یعنی استفاده گسترده پلیس هند از هوش مصنوعی و فناوری تشخیص چهره علیه معترضان، جنجال تازه‌ای به پا کرده است. این جنجال که با شکایت یکی از معترضان از پلیس به دادگاه عالی هند آغاز شده است، دولت مودی و حزب بی‌جی‌پی را درباره خیزش دوباره جنبش سوسک‌ها و از سرگیری تنش‌ها و ناآرامی‌ها در کشور به‌شدت نگران کرده است.

■جنبش سوسک‌ها در هند چگونه آغاز شد؟

پرونده ناآرامی‌ها و اعتراضات اخیر در هند وقتی گشوده شد که دولت مودی در اوایل سال جاری میلادی دستور لغو آزمون پزشکی را به دلیل افزایش سؤالات این آزمون صادر کرد و میلیون‌ها دانش‌آموز را که مدت‌ها خود را برای این امتحان آماده کرده بودند، سرخورده و خشمگین کرد. خشم عمومی زمانی بیشتر شد که رئیس دیوان عالی هند از وازه سوسک و انگل برای توصیف جوانان بیکار و درواقع معترضان جوان خشمگین استفاده کرد. در این میان، دانشجوی جوانی بانام «ابهیمجیت دیپکه» در شبکه‌های اجتماعی به این سخن واکنش نشان داد و این پرسش را مطرح کرد که چه اتفاقی خواهد افتاد اگر همه سوسک‌ها متحد شوند؟ او بانگاهی طنزآمیز، حزبی رانیز بانام «حزب مردمی سوسک» (سی‌جی‌پی) در شبکه اجتماعی اینستاگرام به راه‌انداخت که درواقع کنایه و شوخی نیز بانام حزب حاکم بی‌جی‌پی تلقی می‌شد. اما این حزب بلافاصله با اقبال عمومی گسترده جوانان و کسانی که اکنون به عنوان «نسل زد» شناخته می‌شوند، مواجه شد. دستیابی به رکورد خارق‌العاده ۲۲ میلیون دنبال‌کننده در مدت زمانی نزدیک به دو ماه، نقش این حزب را در اعتراضات دانشجویی اخیر بسیار پررنگ و آن را به بزرگ‌ترین صدای جنبش اعتراضی اخیر تبدیل کرد.

درست است که خیزش نسل زد و جنبش سوسک‌ها در هند، ظاهراً در واکنش به یک واقعه آموزشی یعنی لغو آزمون پزشکی رخ داده، اما روشن است که باید ریشه‌هایی بسیار فراتر از این موضوع برای خیزش نسل زد در این کشور قائل شد. در حالی که هند با برخورداری از حدود ۳۷۰ میلیون نفر نسل زد، بزرگ‌ترین تجمع نسل زد در میان همه کشورهای جهان را دارد، به نظر می‌رسد شرایط اجتماعی، سیاسی و به‌ویژه اقتصادی جامعه هند متناسب با نیازها و ادراکات این نسل حرکت نکرده است. در این راستا مودی و حزبی ۱۲ سال پیش با شعارهایی موفق به تکیه بر اریکه قدرت شدند که اغلب حول محور جذب نسل جوان شکل گرفته بود؛ ایجاد سالانه ۱۰۰ میلیون شغل، ایجاد ۱۰۰ شهر جدید، ریشه‌کنی فساد، خلق یک طبقه متوسط جدید و... اما نه تنها اغلب این شعارها تحقق نیافت، بلکه نسل زد با دولتی سنتی و بعضاً فرسوده مواجه شد که چالش‌هایی بنیادی در عرصه‌هایی چون آموزش و اشتغال داشت، نیازها و آزادی‌های نسل جدید در حوزه‌های مدرن و دیجیتال را درک نکرده و یا آن‌ها را نادیده می‌گرفت، غرق در بروکراسی عریض و طویل اداری بود و شاید از همه این‌ها مهم‌تر در برابر مطالبات این نسل با اعمال برخی محدودیت‌ها یا ایجاد موانع، مقاومت به خرج می‌داد. این‌ها مسائلی بودند که شکاف نسلی را نه تنها در جامعه هند، بلکه حتی درون حزب بی‌جی‌پی رقم زدند؛ «مثل بسیاری از جوانان سراسر هند، من هم از کمبود فرصت‌های شغلی و نظام آموزشی‌ای که آرزوهایم را نابود می‌کند، خشمگین هستم. با اینکه خانواده‌ام از حزب حاکم بهاراتیا جاناتا حمایت می‌کند، توانستم از خانه بیرون بیایم و به اعتراض‌ها بپیوندم».

■مقایسه خیزش نسل زد در هند و بنگلادش

وقایع کنونی در هند درست زمانی رخ می‌دهد که انقلاب موفق نسل زد در بنگلادش دومین سال خود را سپری کرده است. در این میان، شباهت‌ها میان جنبش نسل زد در هند و انقلاب موفق این نسل در بنگلادش نیز می‌تواند درخور تأمل باشد. در وهله نخست، دانشجویان و نسل جوان ناراضی از شرایط آموزشی و اشتغال در متن هر دو حرکت قرار داشته‌اند؛ انقلاب در بنگلادش در جنبش اصلاح‌سهمیه‌اشغال ریشه داشت، همچنین هر دو حرکت در سایه نوع مواجهه دولت‌ها با آن‌ها تشدید شده‌اند؛ واکنش مبتنی بر سرکوب خشونت‌آمیز و زدن برچسب به معترضان نسل زد با عباراتی همچون سوسک، انگل یا «ضارکارها» (خائن‌ان طرفدار پاکستان و خائن به آرمان ایجاد بنگلادش مستقل)، ایجاد دو حزب جدید و پرطرفدار نسل‌زدی رانیز باید از دیگر شباهت‌ها تلقی کرد؛ کم‌اینکه در بنگلادش شکل‌گیری حزب جدید شهروند ملی (ان‌سی‌پی) و در هند نیز ایجاد «حزب مردمی سوسک» (سی‌جی‌پی) را شاهد بودیم.

به نظر می‌رسد خیزش نسل زد یا جنبش سوسک‌ها در هند با عقب‌نشینی بی‌سابقه دولت مودی در برابر معترضان و استعفا‌ی وزیر آموزش هند، فعلاً به موفقیتی بزرگ دست یافته است. بااین حال دقیقاً نمی‌توان گفت آیت‌آیان پال کار انقلاب نسل زد در هند است یا مطالبات جدیدی از سوی این نسل در راه خواهد بود. پرونده اخیر اعتراض به استفاده پلیس از هوش مصنوعی و فناوری تشخیص چهره در برخورد با معترضان، احتمالاً از این ظرفیت برخوردار است تا یک‌بار دیگر جنبش نسل زد را به تحرک وادار کند. این موضوع تا حد زیادی به نوع واکنش دولت مودی به خواسته‌های جدید و امکان شکل‌گیری دومینو نارضایتی‌ها (یا فرایند معروف به پدیده گلوله برفی) بستگی خواهد داشت. در این شرایط دموکراسی هند با چالش‌ی اساسی مواجه به‌قولی از پارلمان به کف خیابان منتقل خواهد شد. اما دموکراسی هند با همه نقص‌ها و نقض‌های آن در دولت مودی، ریشه‌دارتر از آن به نظر می‌رسد که در نتیجه این جنبش، با انقلاب اجتماعی همچون بنگلادش مواجه شود. علاوه بر این باید به نقص بزرگ جنبش‌های اجتماعی و به‌خصوص جنبش‌های فعلی نسل زد هم اشاره کرد؛ چنان که در بنگلادش جنبش نسل زد زمینه‌ساز انقلاب شد اما به علت از هم گسیختگی و عدم انسجام، در نهایت این انقلاب به وسیله احزاب سنتی مصادره شد. در هند نیز وقوع رخداد مشابهی قابل پیش‌بینی است. آن هم با این وصف که جنبش با ریزش آرای انتخاباتی حزب بی‌جی‌پی، زمینه‌تضعیف این حزب و در بالاترین‌وجه ممکن، بازگشت مخالفانی همچون حزب کنگره را به قدرت فراهم کند.